

خیاگر خیابان هجده

گزیده اشعار ماریو بندتی
(شاعرو نویسنده ملی اروگوئه)

دوزبانه

www.ketab.ir

ترجمه

سیما باهر

ندا ایمانی خوشخو

بهادر باقری

عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی



نشر خاموش



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

- سرشناسه: بندتی، ماریو، ۱۹۲۰-۲۰۰۹ م.
Benedetti, Mario, 1920-2009
- عنوان و نام پدیدآور: خنیاگر خیابان ۱۸: گزیده اشعار ماریو بندتی (شاعر و نویسنده ملی اروگوئه)
- مترجمان: سیما باهر، ندا ایمانی خوشخو، بهادر باقری
- مشخصات نشر: اصفهان: نشر خاموش، ۱۴۰۰.
- مشخصات ظاهری: ۱۵۱ ص:؛ ۲۱×۱۴ س.م.
- شابک: 978-622-6942-73-7
- وضعیت فهرست نویسی: فیبا
- یادداشت: اسپانیایی - فارسی.
- یادداشت: کتاب حاضر از متن انگلیسی اثر با عنوان "Witness the selected poems of Mario Benedetti" به فارسی برگردان شده است.
- عنوان دیگر: گزیده اشعار ماریو بندتی (شاعر و نویسنده ملی اروگوئه).
- موضوع: شعر اسپانیایی -- قرن ۲۰.
- موضوع: Spanish poetry -- 20th century
- موضوع: شعر اسپانیایی -- قرن ۲۰ -- ترجمه شده به فارسی
- موضوع: Spanish poetry -- 20th century -- Translations into Persian
- موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- ترجمه شده از اسپانیایی
- موضوع: Persian poetry -- 20th century -- Translations from Spanish
- شناسه افزوده: باهر، سیما، ۱۳۴۲-، مترجم
- شناسه افزوده: ایمانی خوشخو، ندا، ۱۳۴۲-، مترجم
- شناسه افزوده: باقری، بهادر، ۱۳۴۷-، مترجم
- رده بندی کنگره: PQ۸۵۱۹
- رده بندی دیویی: ۸۶۱/۶۴
- شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۱۲۷۲۶
- اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا



نشر خاموش

نام کتاب:	خنیاکر خیابان هجده
ترجمه:	سیماباهر، ندا ایمانی خوشخو، بهادر باقری
طرح جلد:	محمد علی خفاجی
صفحه آرای:	مجید محمدی
لیتوگرافی، چاپ و صحافی:	چاپ دیجیتال نقطه
چاپ / شمارگان:	اول ۱۴۰۰ / ۳۰۰ نسخه
قیمت:	۵۲۰۰۰ تومان
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۶۹۴۲-۷۳-۷

تمام حقوق این اثر برای نشر خاموش محفوظ است.

ارتباط با نشر خاموش: ۰۹۱۳۰۱۷۸۱۹۴ | ۰۹۱۳۱۷۸۱۹۲۰

www.khamooshpub.ir | www.khamooshpub.com | @khamooshpubch

تهران، ولنجک، خیابان گلستان سوم، پلاک ۳، همکف

هرگونه کپی برداری، برداشت و اقتباس از تمام یا قسمتی از این اثر، منوط به اجازه کتبی ناشری باشد.

مرکز پخش: پخش ققنوس، میدان انقلاب، خیابان منبری جاوید (اردیبهشت)، بن بست مبین، شماره ۴
تلفن: ۰۶۶۴۰۸۶۴۰ / ۰۶۶۴۶۰۰۹۹

مرکز پخش: پخش چشمه، بلوار دماوند، بعد از سه راه تهران پارس بلوار اتحاد، اتحاد ۱۱، پلاک ۸
تلفن: ۰۷۷۷۸۸۵۰۲ / ۰۷۷۱۴۴۸۰۸ / ۰۷۷۱۴۴۸۲۱

فروشگاه: کتابفروشی توس، خیابان انقلاب، نیش خیابان دانشگاه، پلاک ۱۷۸
تلفن: ۰۶۶۴۶۱۰۰۷

فهرست

۷.....	مقدمه (بندتئی را باید یا بدتئی شناخت)
۱۱.....	زندگی نامه ماریو بندتئی
۲۱.....	این خانه من است
۲۵.....	آنقدر ناچیز است
۲۹.....	شبهانه
۳۷.....	خود را نجات نده
۴۱.....	برعکس
۴۳.....	بیا قراری بگذاریم
۴۷.....	تاکتیک و استراتژی
۵۱.....	حقوق
۵۵.....	برادر
۵۹.....	عیدی
۶۱.....	تابستان
۶۵.....	تنها در این ضمن
۶۷.....	پس از آن
۷۱.....	حقّ الزّحمه
۷۵.....	رخصی

۸۱.....	عشق، در بعد از ظهر:
۸۳.....	ماه بخزده
۸۵.....	ترانه حال بد
۸۹.....	هنوز
۹۳.....	نشانه‌ها
۹۹.....	عاشق شدن و نشیدن
۱۰۱.....	سونات خدا حافظی و فلوت
۱۰۵.....	دوستت می‌دارم
۱۰۹.....	آنخلوس
۱۱۱.....	اگر خدا چنین خواهد
۱۱۵.....	با این حال
۱۱۹.....	اکنون در عوض
۱۲۳.....	غیبت خدا
۱۲۹.....	گم‌شدگان
۱۳۱.....	وقتی ناپدید شدن را آغاز کردند
۱۳۳.....	اولین نگاه‌ها
۱۳۶.....	منابع

مقدمه (بندتی را باید با بندتی شناخت)

امسال مصادف با صدمین سال تولد ماریو بندتی، نویسنده و شاعر اروگوئه‌ای است و ما در حالی این کتاب را آماده نشر می‌کنیم که جهان درگیر بزرگ‌ترین تجربه شخصی، اجتماعی، مادی و معنوی خود است که علی‌رغم ظاهر تلخش، درس‌های فراوان در پی دارد و چه بسا با گذشت زمان، وحدت بخش مردمان از هر نژاد و ملت و زبانی باشد: ویروس کرونا! این ویروس، علی‌رغم جدایی‌هایی که به اجبار بر جهان و آدمیانش تحمیل کرده، نتوانسته است ارتباطات فکری و فرهنگی آنان را به تمامی قطع کند. ادبیات مانند هر هنر دیگری، زندگی را اعتلا می‌بخشد و دستاوردهای ادیبان اگرچه از سرچشمه‌ها و زبان‌های مختلف دنیا جاری می‌شوند، تعلق به همه مردم دنیا دارند و در عین

حال، در ما این حقیقت انسانی را تقویت می‌کنند که «بنی آدم اعضای یک پیکرند».

کار ترجمه و تدوین این کتاب را از سال گذشته آغاز کردیم و چرخ دنیا در آن زمان، تقریباً به روال همیشگی‌اش می‌چرخید و حالیا همه چیز دگرگون شده است و بسیاری از فعالیت‌هایی که پیش از این، معنادار و مهم بود، اکنون بی‌معنا یا کم‌معنا شده است؛ اما این خصلت ادبیات است که در روزگار تلخی و تاریکی، به میدان بیاید و سینه سپر کند و خواننده را از ترس و تشویش و بوجی، پناه دهد و توجهش را به ساحت‌های مهم خویش بازگرداند.

بهترین معرف هر ادیب، خود اوست. چه بسیار مقالات و نقدهایی که بر آثار او نوشته می‌شود، اندکی در زمان حیات و بسیاری پس از مرگ! اما هیچ مقاله و نقدی نمی‌تواند کنه وجود و اندیشه او را آن‌گونه که روحش در آثارش خفته و البته هویداست، بازتاب دهد؛ و این امر در باره بندتی، شاعر فرهیخته و ملی‌اروگونه نیز صادق است. شاعران بسیاری می‌آیند و می‌روند اما همه آنان ماندگار نیستند. هر شاعری، شاعر ملی نمی‌شود؛ هر کسی پس از مرگ، زندگی را حتی پر شورتر و دیرپا تر از آنچه در این دنیا داشت، ادامه نمی‌دهد! زندگی پرفراز و نشیب بندتی از او انسانی نه منفعل و سرخورده و منزوی، بلکه کنشگر و پویا و برانگیخته و برانگیزاننده ساخت. بندتی در معنای واقعی کلمه، بیش و پیش از هر چیز، یک انسان است. تمام حواس او بیدارند و مثل زنگ کاروان یا ناقوس کلیسا، در آثارش می‌نوازند و به مخاطب تلنگر می‌زنند.

اشعار او تپش نبض ناب زندگی است؛ سعی چندانی در پیچ و خم‌های چشمگیر بلاغی ندارد؛ ساده می‌گوید و آنجا که اقتضای مفهوم است، گویی دارد با عامی‌ترین مخاطبی سخن می‌گوید که

ممکن است روزی در جایی، شعراو را بخواند؛ طوری که خواننده احساس می‌کند در حال نگریستن به بندتی و دوستی قدیمی است که در گوشه‌ای از خیابان ۱۸ مونته ویدئو ایستاده‌اند و یا در کافه ساده‌ای، گرم گپ و گفتند.

بندتی در شعرهایش، نقش‌های مختلفی ایفا می‌کند؛ گاه در قامت یک فیلسوف، مسائل را موشکافانه و تلخ می‌نگرد، گاه منتقد می‌شود، گاه تنها یک گزارشگر است، گاه با طعن و طنز و کنایه سخن می‌گوید، گاه خشمگین می‌شود، گاه سعی در مدارا با مخاطب و با زندگی دارد و گاه قهر می‌کند و از خوب و بد زندگی کناره می‌جوید. در تمام این حالت‌ها، شفاف و صریح است و دروغ نمی‌گوید. صراحت و صداقتش ستودنی است. نگاهی دقیق به طبیعت و به زندگی روزمره دارد؛ با تمام لوازم و لواحقش از خودکار و کاغذ و پاکت حقوق و شکستن قولنج انگشتان گرفته تا درخت و عصر و خیابان و دیوار و سرزمین خود. به آینده می‌نگرد و در عین حال به فکر رتق و فتق امور امروز خود است. در عین دوست داشتن زندگی و آرزو نهادن به آن، در بند معیارهای کلیشه‌ای و تعریف شده از خوشبختی نیست. نوعی هیچ‌پنداری ختیمی را با نگاه تعلیمی و شهودی مولانا درآمیخته است. سرزمینش را به طور ویژه و معنای سرزمین را به طور عام، دوست دارد و می‌ستاید. برای خود و مرزهای زندگی‌اش احترامی فراوان قائل است و می‌کوشد این احترام به ذات زندگی و زیستن زیبا را به خوانندگان آثارش نیز بیاموزد. می‌داند زمان زیستن اندک است و در پی بهره بردن حکیمانه از تمام آنات و لحظات و پیشامدهای زندگی است.

مهم‌تر از همه چیز، بندتی عاشق است و بخش مهم و درخشانی از اشعار او عاشقانه‌اند. حتی همان لحظاتی که از دیگری یا دیگران گله می‌کند، تنها به دنبال به دست آوردن چیزی یا حسی شخصی و

متعلق به خودش نیست؛ بلکه جویای بازیافتن یا آفریدن حسی خوب و ارزنده برای تمام هستی است. می‌خواهد چیزی به مایه و سرمایه این دنیا بیفزاید و این یکی از اصلی‌ترین پایه‌های ماندگاری اوست. درک و پذیرش و شجاعت و تسلیم را با هم دارد و این خصلت هر قهرمانی است. کتاب پیش رو، شاید تعظیمی است به هر قهرمانی که می‌داند تنهاست؛ همچون زمین و آسمان؛ اما همچنان ادامه می‌دهد.

آشنایی ما ایرانیان با آثار بندتی از کی آغاز شده است؟ ظاهراً از حدود پانزده سال پیش، نخستین ترجمه‌ها از آثار ادبی اروگوئه، وارد بازار نشر ایران شده است. در سال ۱۳۸۶ اسدالله آرابی، کتابی با عنوان بدون هماهنگی شعر نگویید! منتشر کرد که گلچینی از شعر آمریکای لاتین است. در این کتاب، چند شعر از شاعران اروگوئه نیز می‌خوانیم؛ از جمله ایده آویلارینو، خوانا فرناندس مورالس^۱، دلمیرا آگوستینی^۲، کریستینا پری روتی^۳ و ماریو بندتی^۴. در همین سال، عبدالله کوثری، کتابی با عنوان داستان‌های کوتاه آمریکای لاتین ترجمه و منتشر کرد. از این نویسندگان اروگوئه، در این کتاب داستان‌هایی ترجمه شده است: اوراسیو کیروگا^۵، انریکه آموریم^۶، خوان کارلوس اونتی^۷، ماریو بندتی و کریستینا پری روتی.

در سال ۱۳۹۲، نخستین مجموعه دوزبانه شعر ماریو بندتی، شاعرو نویسنده معروف و ملی اروگوئه با عنوان زندگی در پزانتز با ترجمه زهرا

-
1. . Idea Vilariño
 2. . Juana Fernández Morales
 3. . Delmira Agustini
 4. . Cristina Peri Rossi
 5. . Mario Benedetti
 6. . Horacio Quiroga
 7. . Enrique Amorim
 8. . Juan Carlos Onetti
 9. . La vida ese paréntesis

رهبانی منتشر شد. البته پیش از این، در برخی مجلات و وبلاگ‌های ادبی ایران نیز، چند شعر بندتی به‌طور پراکنده ترجمه شده بود. دو سال بعد (۱۳۹۴) ایشان، رمان مشهور *آتش بس*^۱ نوشته بندتی را به فارسی ترجمه کرد. این رمان در ۱۹۶۰ منتشر شد و بعدها در آرژانتین فیلمی بر اساس آن ساختند که در ۱۹۶۵ نامزد جایزه بهترین فیلم خارجی اسکار شد.

در سال ۱۳۹۶ عطیه الحسینی، رمان مشهور *پُرد قهوه*^۲ از بندتی را به فارسی ترجمه کرد و در ۱۳۹۸ مترجمان کتاب حاضر، کتابی با عنوان *یراق ابریشمین ماه*، گزیده شعر سه تن از شاعران زن اروگوئه را از دو زبان اسپانیایی و انگلیسی به فارسی ترجمه و در نشر خاموش منتشر؛ و خوانندگان محترم را با نمونه‌هایی از آثار درخشان ماریا ائوخنیا واس فِیرا^۳، دلمیرا آگوستینی^۴ و لویسا لوییسی^۵ آشنا کردند و اینک در صدمین سال تولد بندتی، گزیده‌ای از اشعار وی را ترجمه و تقدیم جامعه ادبی ایران زمین می‌کنند. با سپاس از جناب آقای مجید شمس‌الدین، مدیر محترم نشر خاموش برای انتشار این کتاب، امیدواریم این ترجمه‌ها، زمینه‌ساز آشنایی بیشتر مردم ادب‌دوست و فرهنگی ایران، با ادبیات زلال و والای اروگوئه باشد و این گفتگوی فرهنگی و ادبی همچنان تداوم و گسترش یابد.

-
1. . La Tregua
 2. . La Borra del Café
 3. . María Eugenia Vaz Ferreira
 4. . Delmira Agustini
 5. . Luisa Luisi